

## واکنش به امتیازات مجانی

صفحه ۲

انتصاب سعیدی کیا به ریاست بنیادمستضعفان **استادپو** روزشگاه آزادی منتری چند؟! **۲**



چهارشنبه اول مرداد ۱۳۹۳ | ۲۵ رمضان ۱۴۲۵ | ۲۳ جولای ۲۰۱۴ | سال ششم | شماره ۱۲۷۲ | ۱۲ صفحه | ۵۰۰ تومان

اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی

VATANEMROOZ.IR

روزنامه صبح ایران

# وطن اشکوار

دکتر لاریجانی در اجلاس ترونیکای بین‌المجالس اسلامی:

## مصر گذرگاه رفح را باز کند

صفحه ۲

تئریهای روز

گزارشی درباره بسته «خروج از رکود»

## بازگشت به سیاست تعدیل دهه ۷۰

■ می‌خواهند قیمت‌ها را آزاد کنند



صفحه ۵

دیوان محاسبات به مسؤولان دولت تذکر داد

## تأیید رانت ۳ هزار میلیاردی

روز گذشته و پس از اعتراضات و انتقادات صورت‌گرفته به‌موضوع رانت ۶۵۰ میلیون یورویی واردات نهاده‌های دامی، دادستان دیوان محاسبات کشور رانت ۶۵۰میلیون یورویی (۳هزار میلیارد تومان) را تأیید کرد و در گزارش خود به مسؤولانی مثل رئیس کل بانک مرکزی و وزارت صنعت تذکر داد.

صفحه ۲

از تردد غیر ضروری خودداری کنید

## هوای تهران در شرایط ناسالم

صفحه ۴

تلویزیون

برادر احسان؛ یا پدر میلاد نامهربان بودی

**پدر مقتول، مظلوم شد**



رضا طریقت: بیست و سومین برنامه ماه عسل برخلاف سایر برنامه‌های خانگی، برآمده از مردم و برای مردم نبود.تصور این است که فعلا همین یک جمله کافی است. راستش موضوعی را باید در ابتدای این نوشتار مشخص کنیم. مردم همیشه میان هنرمند روشنفکر که افه‌های تپوع‌آور حقوق‌بشری به دگمه سراسین پیراهنش زنجیر است با هنرمند مردمی که به داشته‌های دینی و اسلامی‌اش با نگره التقاطی و از زاویه سازمان مللی نمی‌نگرد تفاوت فراوانی قائل هستند. نگارنده هم ادعا دارد سلوک مسافر در کشش و واکنش مردمی است، به همین دلیل بیست و سومین ماه عسل احسان علیخانی برایمان مثل زهر مار بود، آن هم در روزی پس از شب قدر. آقا احسان پایش را از این سوی خط (مردمی بودن)، برداشت و گذاشت سونی دیگر و عسل برنامهاش تلخ شد. علیخانی شریعت خوانده و شریعت دوست در بیست و سومین ماه عسل، پچه «جام جم» نبود. آقا احسان خیلی ساده پایش را آن طرف خطوط قرمز مسروم شریعت‌دوستی و شریعت‌مدار بودن گذاشت و واقعا از شریعت دوستی همچون او چنان رفتاری در برابر پدر میلاد بعید بود. افرای نمی‌کنیم به همان اندازه که احسان را ستودهام و طرفدارش بودهام به همان اندازه حق دارم از او گله کنم.

محور برنامه بیست و سوم ماه عسل قصاص بود. همان حقی که بنیادهای حقوق بشری سال‌ها در پی آن می‌دوند تا آن را متوحش و غیربشری توصیف کنند. همان بنیاده و سازمان‌هایی که چشم‌شان را روی کشتار غزه بسته‌اند. راستش راجع به این مساله خودی‌ها کمتر اظهار نظر می‌کنند و ناگفته باقی می‌ماند که توشیه امام بود؛ اجرای احکام الهی مبتنی بر شرع مقدس. از همان ابتدای تصویب لایحه قصاص، جبهه ملی، در میدان فردوسی بلوای بیست و هفت خرداد را به پا کرد.

ادامه در صفحه ۱۲

نگاه یک

هنوز ماه رمضان است و من متعجبم از بعضی رچل سیاسی که چرا عبرت نمی‌گیرند از گذشته... که چرا درس نمی‌گیرند از فرامین مبارک همین لیالی در همین حوالی؟! کم در خطبه‌ها از معصوم نقل به مضمون شده که «مومن آنچه را بر خود نمی‌پسندد، نباید بر دیگران هم بیسندد»؟! کجا بودند شب قدر بعضی‌ها که این همه گوش‌شان در مواجهه با سخن سلیم، سنگین است؟! کجا بودند؟! چه می‌کنند؟! کدامین بیراهه می‌روند؟! عصر اصلاحات فلان کسک زمانی که رئیس کابینه بود، بدترین برخوردها را داشت با شهردار وقت. اذیت‌ها می‌کرد، آزارها می‌رساند. دولت را در پهنه جایی به وسعت همه مساحت ایران در دست داشت اما چشم دیدن شهردار تهران و تا ۴ خدمت‌رسانی شهرداری را نداشت. اینقدر بخیل بود که یک روز سرر حضور رئیس رسانه ملی در هیات دولت، داستان درست می‌کرد، دگر روز وقتی یک ربع دیرتر به همایش دانشگاه می‌رسید، سخنرانی را با حمله به احمدی‌نژاد آغاز می‌کرد که روز پارن، زیادی باریده؟! از قضا اندکی بعد، همین شهردار تهران که افتخار به «پاس نارنجی» می‌کرد و عکس بارفتگران می‌انداخت، با رای معنی‌دار ملت به صندلی ریاست بر جمهوری تکیه زد. گمانم مردم می‌خواستند او بیش از آنکه رئیس‌جمهور باشد، همچنان شهردار باقی بماند. منتهی شهردار همه ایران! و این بار به همه ایران خدمت کند. او در دولت اول خود، شاید چون هنوز خیلی بی‌گردد و خاک شهر و شهرداری و خدمت بی‌مزد و منت، فاصله نگرفته بود، به نسبت هوای تهران را داشت، همچنان که هوای همه‌جای ایران را. کم می‌شد که حکایت استور- پاستور- فی‌الواقع سعیدآباد- را با «زور و شلاق» به جنگ «بهشت» بکشاند! کم می‌شد که حکایت دولت دوشم، برزخی کند اوضاع و اعصاب را! مع‌الاسف احمدی‌نژاد در دولت دهم فراموش کرد روزگاری شهردار بوده و برد از یاد گذشته‌ها را! از منتهی‌ایله شمال غرب کشور تا آخر آخر جنوب شرق و از جنوب غرب تا وایسین ذره از خاک شمال شرق، رئیس‌جمهور بود و در تمام این مساحت، دفتر و دستک و وزارتخانه و استانداری و سازمان داشت اما وای از مرض بخل که مسری بود عیبی- او هم در دومین دولتش، حکایت دوره دوم رئیس‌جمهور پیش از خود، همچین که به شهرداری تهران و شهردار تهران می‌رسید، دیه در می‌آورد؛ یک روز پول نمی‌داد، یک روز، پول می‌خواست، یک روز بدهی پاستور به بهشت را منکر می‌شد، یک روز اجازه ترخیص اتوبوس‌ها را نمی‌داد. گویی جنگ داشت با قالیباف! گویی یادش رفته بود که روزگاری، در عصر اصلاحات، خودش خوش نداشت دولت سر عداوت با شهر و شهرداری پایتخت داشته باشد! مع‌الاسف احمدی‌نژاد در ۴ سال دوم، آنچه را برای خودش، زمان حضور در شهرداری، نمی‌پسندید، عجا که بشدت برای محمدباقر شهردار می‌پسندید! این وسط شانس آورده بود قالیباف که چون دیگران، برادرانی در معرض دید نداشت و الا جناب رئیس‌جمهور نشان

■ **بان کی‌مون:** فلسطین باید خشونت را کنار بگذارد و اسرائیل را به رسمیت بشناسد

شلیک موشک از غزه باید متوقف شود

■ **کاترین اشتون:** اسرائیل حق دفاع از خود را دارد. جنبش حماس عامل بحران کنونی

میان تل‌آویو و فلسطین است



حدودهاست، آنقدر که عمدتا سختی ایستادن در ۲ واکن اختصاصی را به راحتی نشتستند در واکن‌های عمومی ترجیح می‌دهد، بی‌آنکه حضورش در این ۸ واکن، غیرقانونی یا غیرشرعی باشد. فلذا کسانی که زن مسلمان ایرانی را با توسل به بعضی چیزها- که ما نیز هرگز منکر وجودش نیستیم- مشتاق بی‌بند و باری و رابطه‌های خاص می‌دانند، باید بدانند که «مریض» قلب خودشان است، نه زنان ما که اساسا وصله «مرض»، «آلودگی»، «عناد»، «لجاجت» و «ندانت» به جامعه زن ایرانی نمی‌چسبند. البته زن ایرانی مثل مرد ایرانی ممکن است «پراد و اشتیابه» داشته باشد اما قدر مسلم، «قلب مریض» ندارد. ثانیاً زن ایرانی، در پی راحتی، آسایش، امنیت و آرامش بیشتر خویش است و این را آنجا که پای در محیط جامعه می‌گذارد، در یک جمع زنانه، بیشتر و بهتر قابل حصول می‌داند تا جمع عمومی قدر مسلم، اسلامی و شرعی هم که نخواهیم به موضوع نگاه کنیم و فقط طالب راحتی بیشتر زن ایرانی باشیم، خواست خود ایشان، چنین‌لمقتدر حضور در جمع زنانه است، اتفاقا من باب راحتی بیشتر. اینکه حتی باید دامپهاران زن‌سالاری را نیز خوش بیاید، اگر واقعا در ادعای‌شان صادق باشند! قصه! چندی پیش شهردار محترم تهران، من باب راحتی بیشتر خانم‌ها، سختی کاملاً مسلم و انسانی گفت که اجرای آن در ادارات زیرمجموعه شهرداری، به راحتی بیشتر خانم‌ها حین انجام وظایف محوله می‌انجامد. واقعا جای بررسی، تامل و درنگ مضاعف است که قلب بعضی‌ها تا کجا به امراض رنگارنگ دچار آمده که علیه یک سخن روشن و ساده که در پی راحتی بیشتر زن مسلمان ایرانی است، چنین لشکری کشیده‌اند؟! از چیست ناراحتی این جماعت؟! و با چه مشکل دارند که در هر دوگانه‌ای، علی‌الدام به طرف مریض ماجرا غش می‌کنند؟! فقط هم این امور نیست. در «تاریخ» را علنا «دیکتاتور»، می‌خوانند اما در عوض به تطهیر کسانی می‌پردازند که تنها هنرشان، چوب حراج زدن بر مساحت ایران پهناور بوده! در «ورزش» حسین رضسازاده را که هم خودش و هم تیمش، صاحب بزرگ‌ترین افتخار تاریخ وزنه‌برداری ایران بوده‌اند، می‌زنند. آیا جز این است که این‌جماعت، «فی قلوبهم مرض»؟! اندک! من لاقل در این بخش از نوشته، نمی‌خواهم بگویم که بعضی از این رسانه‌های متاسفانه دولتی و روزنامه‌خوار، چه از جان قالیباف می‌خواهند؟! بلکه اساساً حرقم این است؛ این جماعت، چه از جان زن ایرانی می‌خواهند که بیشتر ترجیح می‌دهند در همان ۲ واگنی سوار شوند که مختص خودشان است، ولو اینکه بخوانند سر پا بایستند و این مهم، در حالی است که ورود خانم‌ها در ۸ واگن عمومی، کاملا آزاد است. از این واقعیت غیرقابل انکار و مثال کاملاً ملموس، به ۲ نکته فوق‌العاده مهم می‌رسیم؛ اولاً زن ایرانی، اعم از اینکه چادری باشد یا مانتویی، حتی اعم از اینکه با حجاب کامل باشد یا بی‌حجاب و نیمه، فی حد ذاته، مراقب حد و

### نه با بهشت دل صافی دارند نه با خیابان بهشت

■ حسین قدیانی



تبریک زودهنگام دکتر قالیباف به جناب روحانی؟! این است آیا پاسخ آن همه قانونگرایی، با وجود حداقلی‌ترین برد ممکنی که یک رئیس‌جمهور می‌تواند داشته باشد؟! این است آیا واکنش به خویشنداری کسانی که ۲۴ خرداد ۹۲ رای به دیگر نامزدها داده بودند؟! این است آیا اعتدال؟! این است آیا شکر حضور نامزدهایی از تبار همین شهردار تهران در ناهار وحدت، به جسای اینکه احیاناً کشور را چون بخت‌برگشتگان هشتاد و هشتی بخوانند به آشوب بکشاند؟! خدا نکند نردبان فلان ماشین آتش‌نشانی، دیر باز ششودا همان دولت‌مدرانی که ده‌ها بار متناز از نواقص اتوبوس اسکانیا، به راحتی از کنار خون ریخته شده فرزندان این ملت گذشته و هنوز هم می‌گذرند دولت دارد می‌گذرد، هنوز اصحاب کاخ سعیدآباد یک محل خشک و خالی به پیشنهاد شهردار تهران نگذاشته‌اند! گویی علاوه بر «بهشت»، با «خیابان بهشت» هم همچین دل صافی ندارند! سطور بالا، اشاره به کدام پیشنهاد شد؟ همان‌که روزی شهردار تهران گفت: «خبرائتش را بدهید، امکاناتش را بدهید، حل معضل آلودگی شهر تهران که من شهردارش باشم، با من». قالیباف خواست با شجاعتی شاید زیاده از حد، بلکه با گذشته‌شاید زیاده از حد، از بارهای انباشته و تلنبار شده روی دوش دولت کم کند، در امری مهم و توی چشم، به دولت کمک کند، دعوت ناهار وحدت دولت اعتدال را محلی نهد، همین شهردار تهران بود اما از زمین تا آسمان تفاوت دارد مثنی و منش نامزد شکست خورده اصولگرا در سال ۹۲ با بی‌منشی، بلکه اساساً ددمنشی نامزد شکست خورده اصلاح‌طلب در سال ۱۸۸ نوشتم «اصلاح‌طلب» متصح می‌کنم؛ مریض- مریض! «فی قلوبهم مرض»! و این فقط ما نیستیم که در کمال بهت و تعجب می‌بینیم جماعتی، مرتب و مکرر فساد و افساد می‌کنند لیکن در اوج وقاحت، تابلوی بشدت تابلوی «اصلاح‌طلبی» بلند کرده‌اند! بسنی جلوتر از ما، حضرت باری تعالی، در نخستین آیات بزرگ‌ترین سوره‌اش، در همان اول بسم‌الله قرآن می‌دهند در همان ۲ واگنی سوار شوند که مختص خودشان است، ولو اینکه بخوانند سر پا بایستند و این مهم، در حالی است که ورود خانم‌ها در ۸ واگن عمومی، کاملاً آزاد است. از این واقعیت غیرقابل انکار و مثال کاملاً ملموس، به ۲ نکته فوق‌العاده مهم می‌رسیم؛ اولاً زن ایرانی، اعم از اینکه چادری باشد یا مانتویی، حتی اعم از اینکه با حجاب کامل باشد یا بی‌حجاب و نیمه، فی حد ذاته، مراقب حد و

حدودهاست، آنقدر که عمدتا سختی ایستادن در ۲ واکن اختصاصی را به راحتی نشتستند در واکن‌های عمومی ترجیح می‌دهد، بی‌آنکه حضورش در این ۸ واکن، غیرقانونی یا غیرشرعی باشد. فلذا کسانی که زن مسلمان ایرانی را با توسل به بعضی چیزها- که ما نیز هرگز منکر وجودش نیستیم- مشتاق بی‌بند و باری و رابطه‌های خاص می‌دانند، باید بدانند که «مریض» قلب خودشان است، نه زنان ما که اساسا وصله «مرض»، «آلودگی»، «عناد»، «لجاجت» و «ندانت» به جامعه زن ایرانی نمی‌چسبند. البته زن ایرانی مثل مرد ایرانی ممکن است «پراد و اشتیابه» داشته باشد اما قدر مسلم، «قلب مریض» ندارد. ثانیاً زن ایرانی، در پی راحتی، آسایش، امنیت و آرامش بیشتر خویش است و این را آنجا که پای در محیط جامعه می‌گذارد، در یک جمع زنانه، بیشتر و بهتر قابل حصول می‌داند تا جمع عمومی قدر مسلم، اسلامی و شرعی هم که نخواهیم به موضوع نگاه کنیم و فقط طالب راحتی بیشتر زن ایرانی باشیم، خواست خود ایشان، چنین‌لمقتدر حضور در جمع زنانه است، اتفاقا من باب راحتی بیشتر. اینکه حتی باید دامپهاران زن‌سالاری را نیز خوش بیاید، اگر واقعا در ادعای‌شان صادق باشند! قصه! چندی پیش شهردار محترم تهران، من باب راحتی بیشتر خانم‌ها، سختی کاملاً مسلم و انسانی گفت که اجرای آن در ادارات زیرمجموعه شهرداری، به راحتی بیشتر خانم‌ها حین انجام وظایف محوله می‌انجامد. واقعا جای بررسی، تامل و درنگ مضاعف است که قلب بعضی‌ها تا کجا به امراض رنگارنگ دچار آمده که علیه یک سخن روشن و ساده که در پی راحتی بیشتر زن مسلمان ایرانی است، چنین لشکری کشیده‌اند؟! از چیست ناراحتی این جماعت؟! و با چه مشکل دارند که در هر دوگانه‌ای، علی‌الدام به طرف مریض ماجرا غش می‌کنند؟! فقط هم این امور نیست. در «تاریخ» را علنا «دیکتاتور»، می‌خوانند اما در عوض به تطهیر کسانی می‌پردازند که تنها هنرشان، چوب حراج زدن بر مساحت ایران پهناور بوده! در «ورزش» حسین رضسازاده را که هم خودش و هم تیمش، صاحب بزرگ‌ترین افتخار تاریخ وزنه‌برداری ایران بوده‌اند، می‌زنند. آیا جز این است که این‌جماعت، «فی قلوبهم مرض»؟! اندک! من لاقل در این بخش از نوشته، نمی‌خواهم بگویم که بعضی از این رسانه‌های متاسفانه دولتی و روزنامه‌خوار، چه از جان قالیباف می‌خواهند؟! بلکه اساساً حرقم این است؛ این جماعت، چه از جان زن ایرانی می‌خواهند که بیشتر ترجیح می‌دهند در همان ۲ واگنی سوار شوند که مختص خودشان است، ولو اینکه بخوانند سر پا بایستند و این مهم، در حالی است که ورود خانم‌ها در ۸ واگن عمومی، کاملاً آزاد است. از این واقعیت غیرقابل انکار و مثال کاملاً ملموس، به ۲ نکته فوق‌العاده مهم می‌رسیم؛ اولاً زن ایرانی، اعم از اینکه چادری باشد یا مانتویی، حتی اعم از اینکه با حجاب کامل باشد یا بی‌حجاب و نیمه، فی حد ذاته، مراقب حد و

ادامه در صفحه ۱۲

## خودرو نمونه خروار اقتصاد!

■ محسن جندقی



خودرو در مدت کمتر از یک ماه، دو بار از سوی شورای رقابت قیمت‌گذاری و تا آنجا که امکان داشت گران شد. شگفتی این افزایش قیمت‌ها وقتی بیشتر شد که سخنگوی دولت همزمان با این گرانی مدعی بود دولت موافق تثبیت نرخ‌هاست و با هر نوع گرانی مخالف است. دولتی‌ها وقتی دیدند همه به گرانی خودرو اعتراض می‌کنند خود نیز به عنوان یک مدعی(!) ظاهر شدند و اعلام کردند با توجه به اینکه تسهیلاتی چون ارز مبادله‌ای به خودروسازان تعلق گرفته و تحریم خودرو لغو شده نباید خودرو گران شود. بخش جالب ماجرا آنجا بود که شورای رقابتی که حکم رئیس و نایبرئیس و به طور کلی ۸ عضو از ۱۵ عضو آن را رئیس‌جمهور می‌دهد، خودرو را قیمت‌گذاری کرده و حالا دولت معترض گرانی بود. حتی سخنگوی دولت خبر از مکدر شدن رئیس‌جمهور در پی افزایش قیمت خودرو داد اما یک هفته بعد ورق برگشت و مسؤولان موضع جدیدی اتخاذ کردند؛ سخنگوی دولت اعلام کرد نمی‌توان نظر اعضای شورای رقابت را تغییر داد و شورای رقابت دولتی نیست، وزیر صنعت نیز اعلام کرد رسانه‌ها به رئیس‌جمهور اطلاعات غلط دادند و نرخ‌های شورای رقابت خوب بوده است! چرخش عجیب دولت درباره گرانی تا ۲۲ درصدی خودرو در حالی صورت می‌گرفت که بسیاری از کارشناسان و حتی برخی از اعضای شورای رقابت قیمت‌های اخیر خودرو را ناعادلانه دانسته و خواهان بازگشت قیمت‌ها شدند. در پی این وقایع بیان چند نکته ضروری است.

۱- آغاز اجزای فاز دوم هفتمندی یارانه‌ها در حالی کلید خورد که دولت در ترغیب مردم برای انصراف از یارانه نقدی تا‌کام ماند و همین اتفاق موجب شد مسؤولان برای ادامه برنامه‌های خود با مشکل مواجه شوند؛ دولتی‌ها به دنبال افزایش درآمد و کاهش هزینه بودند اما با وجود افزایش نرخ حامل‌های انرژی، درآمد منظر دولتی‌ها حاصل نشد. از طرفی مسؤولان همواره اعلام می‌کردند به دنبال تثبیت قیمت‌ها و جلوگیری از افزایش نرخ‌ها هستند ولی عملاً چنین اتفاقی نیفتاد. برای اینکه قیمت‌ها ثابت بماند، باید از تولیدکنندگان حمایت شود. مثلاً اگر دولت می‌خواهد شیر و محصولات لبنی گران نشود باید به تولیدکنندگان شیر و لبنیات یارانه بپردازد. گران نشدن شیر نفع تولیدکننده نیز هست چراکه همواره با افزایش نرخ لبنیات مصرف آن نیز کاهش می‌یابد. اگر دولت می‌خواهد خودرو گران نشود باید تسهیلات ویژه‌ای به تولیدکنندگان بدهد و با توجه به اینکه بازار خودرو انحصاری است نرخ نهایی مصرف‌کننده را با توجه به آن تسهیلات تعیین کند و اجازه گران شدن ندهد. اما این اتفاق رخ نداد و مسؤولان با وجود اینکه همواره از تثبیت قیمت‌ها و مخالفت با گرانی‌ها سخن می‌گویند اما عملاً از افزایش نرخ‌ها حمایت می‌کنند. این همان تعدیل اقتصادی دهه ۷۰ با رنگ و لعاب دهه ۹۰ است. یعنی نرخ‌ها تا جایی که امکان دارد آزاد می‌شود و در نهایت آنهایی که از نظر اقتصادی ناتوان هستند هر روز ضعیف‌تر می‌شوند.

۲- تناقض در رفتار و گفتار مسؤولان همواره است. مسهلکی برای اقتصاد بوده است. این تناقض‌ها عموماً از بی‌منی می‌سرد و به تولیدکننده و عرضه‌کننده اجازه می‌دهد با تشخیص خود مسؤولان تناقض‌های بسیار آن هم در مدت زمان محدود دیدیم. شورای رقابت در اواخر خردادماه امسال نرخ خودرو را تعیین کرد و خودروسازان اعلام کردند آن را اجرا نمی‌کنند و رئیس شورای رقابت در اظهارات تندى خودروسازان را ملزم به اجرای این قیمت‌ها کرد اما چند هفته بعد ورق برگشت و رئیس شورای رقابت بعد از چند جلسه با تولیدکنندگان خودرو نرخ‌های جدیدتری در تیرماه اعلام کرد و وکیل مدافع خودروسازان هم شدا دفاع تمام‌قد رئیس شورای رقابت از خودروسازان تا جایی پیش رفت که برخی تولیدکنندگان مدعی بودند شورای رقابت خواهان گرانی بیشتر هم بوده است! اعتراض مسؤولان به گرانی خودرو نیز فقط یک هفته دوام داشت و حتی وزیر اعلام کرد نرخ خودرو زیاد افزایش نداشته است. جالب‌تر از همه اینها قیمت‌گذاری جدید خودروسازان بود. برخی از تولیدکنندگان حتی را رفتار گناشته و به بهانه آشنی‌ها نرخ جدیدتری نسبت به همان نرخ گران‌شده اعلام کردند! وضعیت منتهب خودرو را این بار بازار ایجاد نکرد بلکه دولتی‌ها با این تناقض‌ها و بلاکلیف گذاشتن مصرف‌کننده ایجاد کردند. همه این اتفاق‌ها به این دلیل رخ داد که دولت نمی‌خواست مقصر و مسبب این گرانی‌ها نامیده شود.

ادامه در صفحه ۱۲

یادداشت روز